نگاه

آب؛ محور توسعه منطقه‌ای، محرومیت‌زدایی و ارتقای گردشگری در استان گلستان

امید زارعی‌منش

استان گلستان از جمله استان‌های مهم شمال کشور و با شرایط اقلیمی خاص است که برنامه‌ریزی به منظور ذخیره‌سازی و مدیریت مصارف آب در این استان بسیار مهم است. ازاین‌رو با اولویت بهره‌سازی مصارف آب، بهره‌برد بخش کشاورزی و تأمین آب شرب و صنعت استان پروژه‌های بزرگی در بخش آب به بهره‌برداری رسیده یا در دست اجراست که در آینده با بهره‌برداری از آنها نقش تأمین آب شرب و صنعت مناطق مصرف برنامه‌ریزی‌شده بخش کشاورزی استان نیز مدنظر خواهد بود و ضمن جلوگیری از مهاجرت و تثبیت جمعیت روستاها، امیدواری و رونق کار را نزد مردم منطقه افزایش خواهد داد. شروع فاز دوم عملیات اجرائی طرح رخکشی اراضی اولویت‌دار استان، آغاز عملیات اجرائی آبرسانی به نوار مرزی برای چهار شهر و ۱۳۰ روستا، بازدید از سد نرماب و بهره‌برداری از پروژه جابه‌جایی روستای جنگلده پایین به محل سایت جدید و افتتاح حاجیکرین چایلی، از جمله برنامه‌های سفرهای روز وزیر نیرو به استان گلستان بود. هم‌اکنون ۲۱ طرح اجرائی تأمین، انتقال، توزیع و حفاظت در استان گلستان در دست اجراست که سدهای نرماب، چایلی و آقدکش مهم‌ترین سدهای اجرائی استان هستند که با اتمام سدهای مذکور تأمین آب شرب، صنعت و کشاورزی بخش اعظمی از شهرهای میندشت، کلاله‌کش، کند و بیش از حدود ۱۳۰ روستای حاشیه مرز میسر خواهد شد. با توجه به هدف‌گذاری صورت‌گرفته، مجموعا بالغ بر ۳۶۵ هزار هکتار در استان طرح برنامه‌ریزی شده که تاکنون بالغ بر ۱۷ هزار هکتار احداث شده و به بهره‌برداری رسیده است و حدود ۱۳ هزار هکتار نیز در دست اجراست؛ با بهره‌برداری از این پروژه‌ها ضمن ایجاد اشتغال قابل‌توجهی که در دوران بهره‌برداری فراهم خواهد شد، تأمین آب پایدار شرب و صنعت، توسعه و بهبود شرایط کشاورزی، محرومیت‌زدایی، جلوگیری از مهاجرت، کنترل سیلاب، توسعه گردشگری، بهبود شرایط خاک و... از مهم‌ترین اهداف مورد انتظار خواهد بود.

۱- مطالعه و اجرای رخکشی اراضی اولویت‌دار گلستان، کمک به بهبود شرایط خاک

در راستای بهبود شرایط، افزایش بهره‌وری و جلوگیری از شورشدگی خاک، مطالعات رخکشی اراضی استان برای مشخص‌شدن بخش‌های اولویت‌دار استان و پیگیری تأمین اعتبارات محدوده‌های به وسعت حدود ۲۸۰ هزار هکتار به‌عنوان محدوده اجرائی طرح مشخص شد که عملیات اجرائی ۱۰۰ هزار هکتار این منطقه شروع و اجرا شده است. درحال‌حاضر نیز ۲ هزار هکتار به‌عنوان اولویت دوم در برنامه اجرا قرار دارد؛ از مهم‌ترین اهداف این طرح کنترل سیلاب، ممانعت از آب‌گرفتگی اراضی، جلوگیری از توسعه ریزگردها و بیابان‌زایی، افزایش عملکرد زراعی (آبی و دیم)، جلوگیری از توسعه شوری‌زدایی، اصلاح سیستم زهکش‌های سطحی و زیرزمینی، افزایش سطح زیر کشت بر پایه استفاده از منابع آب موجود با حداقل بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و... است و پیش‌بینی می‌شود که با اجرای تدریجی و کامل طرح تحولی اساسی در منطقه ایجاد شود.

۲- آبرسانی به شهرها و روستاهای نواحی مرزی استان گلستان و تأمین آب سالم و مطمئن

این طرح به‌طور یکپارچه یکی از مهم‌ترین طرح‌های استان و در حوزه تأمین آب شرب سالم و مطمئن برای شهرها و روستاهای مسیر شامل آبرسانی به شهرها و روستاهای نوار مرزی استان، تأمین آب برای شهرهای کند، میندشت، مراوته‌بند، کلاله‌کش و حدود ۱۳۰ روستای واقع در نوار مرزی استان گلستان در سال افق طرح طراحی شده است که با انتقال متوسط ۳۷.۷ میلیون مترمکعب در سال جمعیتی به میزان ۵۵۵ هزار و ۲۲۸ نفر را تحت پوشش خواهد برد. طرح به‌لحاظ اجرائی شامل حفر و تجهیز ۶۰ حوزه مرداماد چاه عمیق، خط و اجرای خطوط لوله جمع‌آوری و انتقال آب به طول ۵۶۰ کیلومتر، مخازن ذخیره بتونی به حجم ۲۵ هزار و ۵۰۰ مترمکعب، یک واحد تصفیه‌خانه به ظرفیت هزار و صد لیتر بر ثانیه و ۱۱ ایستگاه پمپاژ است.

۳- سد نرماب، توسعه منطقه‌ای و بهبود معیشت و لحاظ مسائل اجتماعی

سد نرماب با حجم مخزن ۱۱۵.۳ میلیون مترمکعب با هدف تأمین آب شرب شهر کند و روستاهای مسیر، نوار مرزی اینچه‌برون و روستاها، شهرستان میندشت و روستاهای تابعه و کشاورزی منطقه، از سال ۸۵ آغاز شد و درحال‌حاضر با پیشرفت حدود ۷۷ درصد در دست اجراست. اجرای سد که از طریق سرمایه‌گذاری خارجی (ماده ۵۶ قانون بخشی از مقررات مالی دولت) انجام می‌پذیرد، با اتمام این پروژه، افزایش قابل‌توجهی به بهره‌برداری خواهد رسید که تاکنون حدود دوهزار و ۵۰۰ میلیارد ریال از این طرح هزینه شده است. یکی از اقدامات مهم و مؤثر در طرح نرماب پروژه جابه‌جایی روستای جنگلده پایین به محل سایت جدید است که در دیوکلوسترن جنوب شهر میندشت واقع شده است. حدود از این کار روستای جنگلده پایین از داخل منطقه به مکان جدید و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به اطراف از منطقه است. تجربیات گذشته نشان می‌دهد استقرار سکنه و مهاجرت روستاییان به سایر نقاط، علاوه‌ورفوایتی کانون‌های سکونت روستایی، موجب بروز مشکلات عمده اجتماعی می‌شود و یکی از مهم‌ترین اهداف جابه‌نشینی شهرها حذف تولیدات و شغل‌های محلی و ایجاد شغل‌های کاذب، بروز مشکلات روحی و... خواهد بود. بنابراین بازسازی مهاجرت افراد در حد امکان نسبت به ایجاد سکونتگاه‌ها و حفظ مجامع روستایی در منطقه خود اقدام کند. در این ارتباط و مطابق تجربیات جهانی توجه نسبت به ساخت روستای جایگزین جنگلده پلس در سطح ۶۵ خانوار و در نزدیکی موفقیت کیلومتر و خانوار از این دو کارخانه تبدیل شده و امکانات رفاهی مناسب اقدام کند، به‌نحوی که با رعایت هزینه‌های پیش‌بینی‌شده و هماهنگی با سایر دستگاه‌ها این مهم عملیاتی و موفقیت جدید آماده بهره‌برداری و سکونت شده است.

۴- سد چایلی

سد چایلی با حجم مخزن ۲۴۶ میلیون مترمکعب و ظرفیت تلفیق حدود ۸۰ میلیون مترمکعب ضمن تأمین و پایدارسازی آب زیست‌محیطی و کمک به تلاش‌های منطقه، تأمین آب بخشی از اراضی کشاورزی پایاب در منطقه مراوته‌بند را نیز عهده‌دار خواهد بود. درحال‌حاضر عملیات اجرائی جاده جایگزین به دلیل پیشرفت و آماده بهره‌برداری و عملیات اجرائی سیستم انحراف آب در حال انجام است. یکی از مهم‌ترین بخش‌های این طرح اجرای جاده جایگزین محور مواصلاتی مراوته‌بند است که قبلا در داخل دریاچه قرار می‌گرفت. مسیر جدید از نقطه‌ای نزدیک شهر مراوته‌بند شروع می‌شود و با عبور روه‌خانه اترک، از مجاورت دریاچه آب سد چایلی با طول ۲۲ کیلومتر ادامه یافته و در پایاب سد به شهر جدید منتهی می‌شود. این جاده شامل ۲۱ کیلومتر طول ۷۵ دستگاه آبرو و پنج دستگاه پل‌های خاک و بزرگ است.

• مدیرکل دفترفنی و مهندسی حوضه‌های آبریز دریای خزر و دریاچه ارومیه

روایت نعمت‌زاده در گفت‌وگو با «شرق» درباره انتخابات سال ۹۲

ناگفته‌های ستاد روحانی

برخی در ازای پول ناهار درخواست رانت داشتند

عکس: امیر جدیدی

شکوفه حبیب‌زاده: هشت ماه از انجام این گفت‌وگو می‌گذرد؛ اما به سبب وقت فشرده‌اش برای ادامه این گفت‌وگو، بنا شد قسمت اول آن منتشر شود تا در شماره بعدی از حواشی زندگی‌اش بیشتر بگوید. این گفت‌وگو فرار بود شمه‌ای از زندگی سیاسی- اقتصادی مردی باشد که در دهه‌های گوناگون کارکرده و بر کرسی‌های مختلف تکیه زده بود و حالا دوباره به حوزه نفت برگشته است و مشاوره می‌دهد. محدرضا نعمت‌زاده را برای حوزه نفتی و پتروشیمی و البته همین، چهره‌ای شناخته‌شده است. تقریبا در همه دولت‌ها حضور جدی داشته و اکو وزیر نبود. معاونت وزیر را در دوران مختلف در کارنامه خود ثبت کرده است؛ اما کمتر کسی چهره سیاسی او را می‌شناسد. ازورودش به عرصه سیاست در اوایل انقلاب و لیدری اعتصابات نفتی و پتروشیمی تا زمانی که به‌عنوان رئیس ستاد انتخاباتی حسن روحانی در دوراول، فعالیت می‌کرد خاطرات جذابی دارد؛ از ساختمان این ستاد که از بخش خصوصی بود و سال‌ها متروکه بود و آنها مجبور شدند قفل ساختمان را بشکنند و وارد شوند، از بازجویی برای رفت‌وآمد به ستاد انتخاباتی در آن ساختمان هشت طبقه تا دخالت برخی از افراد سرشناس در چینش مدیران در دولت احمدی‌نژاد. از افرادی که در درگیری‌ها، جانی به‌دست بودند و برای دستخوش، یک پروژه مهم فولادی به نامشان شد و.... این گفت‌وگو ماحصل دو جلسه مجزاست که دربی می‌آید.

• ۴۰ سال است که در عرصه‌های مختلف از جمله مدیریت صنایع نفت و پتروشیمی و... حضور دارید. به نظرتان به جایی خوب عمل کرده‌اید و چه جاهایی باید بهتر عمل می‌کردید؟

بعد از انقلاب من در مسئولیت‌های مختلفی بودم. در بهره‌های زمانی مختلف این کارها انجام شده است. مثلا قبل از پیروزی انقلاب گروهی درست کرده بودم با کمک ۴۰-۵۰ نفر که از اعتصابات حمایت می‌کردیم. در واقع کاری می‌کردیم که یک کارخانه تعطیل شود و کارگرانش را اداره می‌کردیم. بعد از انقلاب، حضرت امام(ره) تشریف آوردند و انقلاب به فضل الهی پیروز شد. امام فرمودند همه به سرکار برگردند. ما تا روز قبل می‌گفتیم سر کار نرود و بعد از انقلاب باید می‌گفتیم برود. به همین خاطر دادگاه‌هایی درست کردیم و به پرونده میدانی که متهم به وابستگی بودند، رسیدگی کردیم و گفتیم اینها می‌توانند برگردند و کارگران به حرف ما گوش دادند.

اول انقلاب، کشور دچار التهاب شدید در بخش اشتغال و اقتصاد بود. به همین دلیل با کمک دوستان و به‌صورت رسمی و غیررسمی، ترکیبی درست کردیم تا به امور رسیدگی کنیم که نتایج مثبت داشت. در آن زمان در بخش‌های مختلفی حضور داشتم. مدتی مدیر ایران‌خودرو و مدتی در دوران جنگ در سازمان صنایع دفاع در صنایع نظامی بودم. آن زمان در جهت پشتیبانی نیروهای مسلح، بروژه‌های پارچین را تکمیل و راه‌اندازی کردیم و در آن مهمات‌سازی صنایع هواپیما و هلیکوپتر را انجام می‌دادیم. مثلا هلیکوپترهایی را که مشکل پیدا می‌کردند تعمیر می‌کردیم که دوباره به چهبه بودن. به نظرم یکی از موفقیت‌های که آن زمان حاصل شد، این می‌بخت یا هرچه فلا و جواهرات داشت برای پیروزی عزیزان هزینه می‌کرد، ما هم با همان نیرو و عشق سر کار می‌ماندیم و مثل نمی‌گذیرم. البته دوران بمباران، من در تهاریم بودم. نیروگاه نکا در شمال کشور مورد حمله قرار گرفته بود و دودکشش کلا از بین رفت که بازسازی کردیم. هر هفته با مشاین برای بازسازی به خوزستان می‌رفتیم. یاد گرفته بودیم چه زمانی راه بیفتیم و کجا بایستیم. از آن دوران هم خاطرات بسیار خاصی دارم. در زرند بودم که ظهر خبر آوردند نیروگاه رامین را بمباران کردند. اجلاس میدرعملان را داشتیم. خداحافظی کردیم و از زرند با ماشین به سمت اهواز رفتیم. وقاما مدام در هیجان بودیم. نتایج کار هم بسیار خوب بود. نیروگاه رامین پنج بار در زمان حضور من، بمباران و بازسازی شد. در زمان سازندگی که مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نسبت‌دار دادند شما به صنعت بیایید، بازسازی را در کارها قرار دادیم. از اواسط سال ۶۸ از توانیر به وزارت صنایع رفتم. بحث بازسازی مدعیانی بود که تا اندازه‌ای به نبود. کسی متوجه نمی‌شود در سد و بیابان‌ها چه می‌کنیم. ولی در پتروشیمی خوشبختانه توانستیم با کمک همه دوستان اثرات خوبی بر کشور بگذاریم. واقعا رسالت مهمی‌ای داشت اما هنوز هم به جایگاه لازم در کشور نرسیده است. معتقدم کشوری که بیشترین مخازن هیدروکربن را در جهان دارد و شاید بیش‌تر مخازن کشف‌شده، باید بیشتر در این حوزه تلاش کند. از زمان گفتم مخازن نفت را پنج برابر آن چیزی است که خرابیم. بیشتر در این حوزه تلاش کند. ما بیشتر از آن گفتیم شرکت ملی نفت و پتروشیمی است که خرابیم. ما هم‌ستیم و ما هم‌ستیم و ما هم‌ستیم. صنایع مختلف مثل سیمان، قند و سایرها واقعا مستهلک شده و چیزی هم اضافه نشده بود. به همین دلیل موضوع فایناس‌گرفتن از خارج مطرح شد. برای اولین‌بار مجلس در بودجه سال ۶۸ این مجوز را به دولت داده بود. قبل از آن سیاهی در آن زمان نداشتیم. بنده چون اعتقاد به فایناس داشتم و معتقد بودم تنها با منابع داخلی نمی‌توانیم بازسازی را انجام دهیم. به همین دلیل اولین وزارتخانه‌ای بودم که پول فایناس را به آلمانی‌ها انجام دادیم و دولت توسعه ایران‌توسط در زنجان را برای انتقال دانش فنی خرید ماشین‌آلات و... در دستور کار قرار دادیم. یادم هست دوره ۱۰-۵ میلیون مارک بود. این پول بود و آلمان با مارک کار می‌کرد. حتی دوستان ما در بانک مرکزی به فایناس آشنایی نداشتند. درحالی‌که قبل از انقلاب قراردادهای فایناس داشتیم. مثلا زنگ زده که از طریق فایناس برای ما بود. اما بعد از انقلاب که مسئولان عوض شده بودند شناختی در مورد فایناس نداشتند. من به‌خاطر آشنایی‌ای که از گذشته و از نیروگاه نکا داشتم، پیگیری کردم و این سیستم در بانک مرکز هم رد داد. بعد از آن ۱۵،۱۰ کارخانه سیمان را با فایناس انجام کرده تا توسعه دهد. به‌هرحال برای دوران بازسازی، شدید نیازمند سیمان بودیم. حتی کارهای هنری‌فسنجانی در دولت فرمودند در همشاکعی می‌توانند شوند سیمان وارد کنند. این کار را رشدی‌ها و من از سیمه‌ها رسیدگی‌جمهوری از می‌دهم، اما بهانه نوفته پروژه‌ها را نداشته باشند. هفته‌ای نبود که بحث سیمان و کمبودش در کابینه مطرح نشود. به همین دلیل من، علاقه‌مندی به سیمان و پیشگیری‌شان از جهت کمبود آنها. عقب‌ماندگی می‌کردم. یک بحث از پیشگیری‌شان جزوه سیمان بود و به او لقب پدر سیمان را می‌دادند. دعوت کردیم، متعجب شد و گفت تاکنون از او مشورت گرفته نشده نمی‌شد. اما به‌هرحال ما می‌خواستیم از افراد خبره و باتجربه در این حوزه کمک بگیریم. این امر باعث شد حرکتی را ایجاد کردیم و ۳۰ شرکت سیمان در دوره مدت‌ساله شکل گرفت. بعضی‌ها از زمان به تولید رسیدند و بعضی‌ها بعدا. در حوزه‌های دیگر هم کمابیش انجام گرفت. از زمان کلاق دانشجویی خیلی علاقه‌مند به راه‌اندازی واحدهای نیشکر بود. نیشکر هفت‌تپه را از قبل انقلاب داشتیم که روی آن سرمایه‌گذاری شده بود. در نیشکر کاروان سرمایه‌گذاری، مالی راه‌اندازی نیشکر تپه‌ها بود که آن را هم پیگیری کردیم و بعد از انتهای حکم راه‌اندازی شد. همچنین هفت‌تپه که آسیب دیده بود. دوباره راه‌اندازی شد. چون ایران معتقد بود این دو کارخانه شبیه درکنور کافی نیست و باید توسعه داده شود. هفت کارخانه نیشکر دیگر طراحی شد که در خوزستان پنج مورش بهره‌برداری می‌شود.

• تنش با مخالفانی نبود؟

تنش کمویینش بود. از هر موضع هامنی مدافع ما بود که کار می‌کردیم. یادم است وقتی بنده و برخی دوستان دیگر را به مجلس معرفی کردند، یکی از نمایندها معتقد بود که من در کاروزیر سیاسی تنبیه و سابقه سیاسی ندارند و زندان نرفته‌اند. آقای هاشمی فرمودند من خودم یک‌ساله کل مسائل سیاسی را حریف می‌شوم و برایتان با کارکردن برای مردم انتخاب کردم‌اه و جلوی‌ها اعلام کرد کابینه می‌گیرد است. در هشت سال دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی، از من دو سال در مجلس مطرح شد و در دولت یازدهم شاید بیش از ۶ سود سوال در طول چهار سال مطرح شد؛ جالب است آن دو مورد را هم خوشبختانه مجلس نبذیرفت و هر دو سوال را هم یک نفر برسیده بود.

• چه کسی پرسید بود؟

یکذریم. شاید دلایل خاصی داشت. اینکه یک نفر دوبار از من سؤال کند و هر دوبار هم خودش محکوم شود.

• اوایل انقلاب در زمینه نفتی‌ها چطور؟

گردداند. تجربه‌ای در این زمینه داشتید؟

آقای هاشمی‌طبا در کابینه شهید باهنر وزیر شدند. اوایل انقلاب، کاستی‌ها خیلی زیاد بود. البته تحیل فضای فشار کشور را بیشتر متوجه خود کرده و می‌شد کفت نبض. چه عملت دار را در جهت کشف نبض بیشتایی متحد کرده بود. آن زمان هم ما در صنایع دفاع متشکل بیشتایی حتی بودیم و معتی هم در توانیر بودیم؛ باز در جهت رفع خرابی‌های که صدام به بار آورد. بنابراین از قبل از دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی هم، من در مسیر صنعت بودم. خیلی‌ها معتقد بودند خیل وحدت را به وجود آورده و بعد از جنگ، احزاب و گروه‌ها حقوقی را مطالبه خواهند کرد. به نظرم این کار به این صورت نشد. حتی من هم باور کرده بودم که مشکلات زیاد سیاسی- اجتماعی خواهیم داشت. اما واقعا مدیریت و درایت شخص هاشمی‌رفسنجانی به‌گونه‌ای بود که این وحدت و انسجام را حفظ کرد. مسائل را در سطوح بالا خودشان حل‌وفصل می‌کردند. مثلا اون نبود که در جامعه مطالب مختلف و اختلافات مطرح شود. من به‌عنوان یک شهروند احساس نمی‌کردم با مسئله خاصی داریم. البته مسائلی از خارج کشور تحمیل می‌شد. تبلیغات منفی از روز اول انقلاب وجود داشت و به آن عادت کرده بودیم. اگرچه مشکلات و موج هدایت کشور را در دست داشتند. به‌شخصه مسئله حادی را به خاطر ندارم که آن زمان مطرح شده باشد. البته در دوره دوم، مسائل سیاسی و اطلاعاتی داشتیم. مسئله قتل‌های زنجیره‌ای مطرح شد که زمینه نظام نبود. مواردی از این دست داشتیم که وارد جزئیات نمی‌شوم. بعضی‌ها انتظار می‌کردند که آزادی کنترل است. چون توجه به مسائل اقتصادی و سازندگی می‌شد، تا حدی به مسائل سیاسی نمی‌رسیدند، کمی هم تحت‌الشعاع قرار گرفته بود.

• این تجربه را در دولت آقای خاتمی داشتیم...

آقای خاتمی که تشریف آوردند، شاید در سه، چهار سال اول دوره ایشان بیشتر مباحث آزادی سیاسی و اجتماعی مطرح شد که به نظرم خوب بود اما در دوره اول به مسائل اقتصادی کمتر عنایت شد که جنبه منفی دولت اول ایشان است. خاطرم هست خدمت ایشان رسیدم. عرض کردم فضای سیاسی لازمه کار است اما اینکه فقط به این مورد پرداخته شود، کافی نیست. حتی بعضی از ما انتظار می‌کردند. گفتم مردم نان، آزادی و کار می‌خواهند. ایشان خوشحتانه در دور دوم طبق آمار و اطلاعات فضا را برگرداندند. ضمن اینکه آزادی سیاسی ادامه داشت، بحث‌های اقتصادی هم مطرح شد.

• در دوران شما بحث ادغام وزارتخانه‌ها نیز مطرح شد و شما از مدافعان بودید. چه شد که این حجم سنگین کار را دریک وزارتخانه پذیرفتند؟

در دوره دوم دولت آقای هاشمی بخش صنایع و صنایع سنگین ادغام شد. به‌اتفاق هر سه وزیر صنعتی خدمت ایشان رفتیم و گفتیم توصیه ما این است که این بخش‌ها ادغام شوند که بتوانیم سیاست‌گذاری مستجرتری داشته باشیم. ایشان با همان حالت تبسمی که داشتند، گفت این‌همه کار بزرگ را می‌خواهید باهم انجام دهید؟ بروید یقه‌یقه انجام دهید. حق آقای تاج‌حسینیان و بنده در جهت ادغام خیلی همفکر بودیم. پیشنهاد داشتیم که اجازه دهید که این دو ادغام شوند. بالاخره ادغام صورت گرفت و بعد هم به‌عنوان وزیر وزارتخانه ادغام‌شده از سوی ایشان تعیین به مجلس معرفی شدم و رای اعتماد گرفتم. بنابراین پیشنهاد این بود که جزء کاندیداهای وزارت صنعت در دولت آقای خاتمی باشم. در آنجایکی از بزرگواران گفته بود فلانی چون مصاحبه‌ای کرده و از آقای نطق‌نوری حمایت کرد. صلاح نیست آقای خاتمی و او انتخاب کند. آقای خاتمی در آن جلسه نبود. ایشان کروهی را برای تعیین وزرا مشخص کرده بودند. آنجا گفته بودند که چون من در مورد آقای ناطق مصاحبه کرده‌ام، به مصلحت نیست.

• چه کسانی بودند؟

اجازه دهید از کسی نام نبرم. هر دو زنده و از بزرگواران هستند. مشورت برای این بود که هرکسی عقیده‌اش را بگوید. شاید هم حرفشان منطق داشت که بالاخره نخست‌زاده‌ای که از آقای ناطق حمایت کرد، شاید علیه آقای خاتمی باشد؛ با اینکه من قبل از انقلاب نسبت به آقای خاتمی ارادت داشتم و ایشان خانواده من را خوب می‌شناخت. حتی آخر دوره دوم که خدمت ایشان رسیدم، از سوی یکی از بستگانمان که با ایشان سال‌ها در خارج از کشور زندگی کرده بودند، خبر رسید که ایشان گفته‌اند یکی از مواردی که در دولت بی‌نصیب بودیم، حضور ما (نعمت‌زاده) در کابینه بود. الان که من بازنشسته کامل هستم، می‌توانم به‌راحتی بگویم. این امر نشان می‌دهد که ایشان شناخت کاملی از من داشت و کارهای من را هم دید. ایشان یکی از افرادی است که همیشه در دل بنده جا دارد. در این مدت هم دیدباز جزوحدت کلمه جزیی اعلام نکردماند و در زمان تصدی هم در خدمت انقلاب و رهبری بودند. حالا هم واقعا بی‌سروصدا به اوضاع تمکین کرده‌اند و برخی رفتارها به نظرم سزاوار ایشان نیست. خدا شاهد است در جلسات دولت و در مراکزی که در خدمت در خدمت انقلاب و رهبری بودند، حتی یک‌بار هم نشد، معتقدم انقلاب از وجود آقای هاشمی و خاتمی محروم شده است. بعضی‌ها را دشمن این انسیت. معتقدم انقلاب از وجود آقای مطهری‌ها، مدارا شکردان این بزرگواران بودیم. از قبل انقلاب هرکدام از اینها یک امت بودند. انقلاب ما این نیست که در جزاء مزد خودمان باشد. افراد ما جهانی است و اینها می‌توانستند سخنگو باشند. بحثی که آقای خاتمی در رابطه با گفتمان بین‌المللی و ادیان به وجود آورد، خیلی مؤثر بود. حتی آقای روحانی توانست با فاصله هشت‌ساله آن را دوباره رشد کند. خواندن حفظشان کند. ما که باوجودایکه هر سال مغلوب وزیر بودیم، این بست و مقام برای ما ارزش نداشت. صنایع مختلف مثل سیمان، قند و سایرها واقعا مستهلک شده و چیزی هم اضافه نشده بود. به همین دلیل موضوع فایناس‌گرفتن از خارج مطرح شد. برای اولین‌بار مجلس در بودجه سال ۶۸ این مجوز را به دولت داده بود. قبل از آن سیاهی در آن زمان نداشتیم. بنده چون اعتقاد به فایناس داشتم و معتقد بودم تنها با منابع داخلی نمی‌توانیم بازسازی را انجام دهیم. به همین دلیل اولین وزارتخانه‌ای بودم که پول فایناس را به آلمانی‌ها انجام دادیم و دولت توسعه ایران‌توسط در زنجان را برای انتقال دانش فنی خرید ماشین‌آلات و... در دستور کار قرار دادیم. یادم هست دوره ۱۰-۵ میلیون مارک بود. این پول بود و آلمان با مارک کار می‌کرد. حتی دوستان ما در بانک مرکزی به فایناس آشنایی نداشتند. درحالی‌که قبل از انقلاب قراردادهای فایناس داشتیم. مثلا زنگ زده که از طریق فایناس برای ما بود. اما بعد از انقلاب که مسئولان عوض شده بودند شناختی در مورد فایناس نداشتند. من به‌خاطر آشنایی‌ای که از گذشته و از نیروگاه نکا داشتم، پیگیری کردم و این سیستم در بانک مرکز هم رد داد. بعد از آن ۱۵،۱۰ کارخانه سیمان را با فایناس انجام کرده تا توسعه دهد. به‌هرحال برای دوران بازسازی، شدید نیازمند سیمان بودیم. حتی کارهای هنری‌فسنجانی در دولت فرمودند در همشاکعی می‌توانند شوند سیمان وارد کند. این کار را رشدی‌ها و من از سیمه‌ها رسیدگی‌جمهوری از می‌دهم، اما بهانه نوفته پروژه‌ها را نداشته باشند. هفته‌ای نبود که بحث سیمان و کمبودش در کابینه مطرح نشود. به دلیل من، علاقه‌مندی به سیمان و پیشگیری‌شان از جهت کمبود آنها. عقب‌ماندگی می‌کردم. یک بحث از پیشگیری‌شان جزوه سیمان بود و به او لقب پدر سیمان را می‌دادند. دعوت کردیم، متعجب شد و گفت تاکنون از او مشورت گرفته نشده نمی‌شد. اما به‌هرحال ما می‌خواستیم از افراد خبره و باتجربه در این حوزه کمک بگیریم. این امر باعث شد حرکتی را ایجاد کردیم و ۳۰ شرکت سیمان در دوره مدت‌ساله شکل گرفت. بعضی‌ها از زمان به تولید رسیدند و بعضی‌ها بعدا. در حوزه‌های دیگر هم کمابیش انجام گرفت. از زمان کلاق دانشجویی خیلی علاقه‌مند به راه‌اندازی واحدهای نیشکر بود. نیشکر هفت‌تپه را از قبل انقلاب داشتیم که روی آن سرمایه‌گذاری شده بود. در نیشکر کاروان سرمایه‌گذاری، مالی راه‌اندازی نیشکر تپه‌ها بود که آن را هم پیگیری کردیم و بعد از اتمام حکم راه‌اندازی شد. همچنین هفت‌تپه که آسیب دیده بود. دوباره راه‌اندازی شد. چون ایران معتقد بود این دو کارخانه نیشکر درکنور کافی نیست و باید توسعه داده شود. هفت کارخانه نیشکر دیگر طراحی شد که در خوزستان پنج مورش بهره‌برداری می‌شود.

• تنش با مخالفانی نبود؟

تنش کمویینش بود. از هر موضع هامنی مدافع ما بود که کار می‌کردیم. یادم است وقتی بنده و برخی دوستان دیگر را به مجلس معرفی کردند، یکی از نمایندها معتقد بود که من در کاروزیر سیاسی تنبیه و سابقه سیاسی ندارند و زندان نرفته‌اند. آقای هاشمی فرمودند من خودم یک‌ساله کل مسائل سیاسی را حریف می‌شوم و برایتان با کارکردن برای مردم انتخاب کردم‌اه و جلوی‌ها اعلام کرد کابینه می‌گیرد است. در هشت سال دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی، از من دو سوال در مجلس مطرح شد و در دولت یازدهم شاید بیش از ۶ سود سوال در طول چهار سال مطرح شد؛ جالب است آن دو مورد را هم خوشبختانه مجلس نبذیرفت و هر دو سوال را هم یک نفر برسیده بود.

• چه کسی پرسید بود؟

یکذریم. شاید دلایل خاصی داشت. اینکه یک نفر دوبار از من سؤال کند و هر دوبار هم خودش محکوم شود.

• اوایل انقلاب در خبش صنعت خیلی درگیری داشتید. حتی بحث کودکان‌گیری را هم مطرح کردداند. تجربه‌ای در این زمینه داشتید؟

آقای هاشمی‌طبا در کابینه شهید باهنر وزیر شدند. اوایل انقلاب، کاستی‌ها خیلی زیاد بود. البته تحیل فضای فشار کشور را بیشتر متوجه خود کرده و می‌شد کفت نبض. چه عملت دار را در جهت کشف نبض بیشتایی متحد کرده بود. آن زمان هم ما در صنایع دفاع متشکل بیشتایی حتی بودیم و معتی هم در توانیر بودیم؛ باز در جهت رفع خرابی‌های که صدام به بار آورد. بنابراین از قبل از دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی هم، من در مسیر صنعت بودم. خیلی‌ها معتقد بودند خیل وحدت را به وجود آورده و بعد از جنگ، احزاب و گروه‌ها حقوقی را مطالبه خواهند کرد. به نظرم این کار به این صورت نشد. حتی من هم باور کرده بودم که مشکلات زیاد سیاسی- اجتماعی خواهیم داشت. اما واقعا مدیریت و درایت شخص هاشمی‌رفسنجانی به‌گونه‌ای بود که این وحدت و انسجام را حفظ کرد. مسائل را در سطوح بالا خودشان حل‌وفصل می‌کردند. مثلا اون نبود که در جامعه مطالب مختلف و اختلافات مطرح شود. من به‌عنوان یک شهروند احساس نمی‌کردم با مسئله خاصی داریم. البته مسائلی از خارج کشور تحمیل می‌شد. تبلیغات منفی از روز اول انقلاب وجود داشت و به آن عادت کرده بودیم. اگرچه مشکلات و موج هدایت کشور را در دست داشتند. به‌شخصه مسئله حادی را به خاطر ندارم که آن زمان مطرح شده باشد. البته در دوره دوم، مسائل سیاسی و اطلاعاتی داشتیم. مسئله قتل‌های زنجیره‌ای مطرح شد که زمینه نظام نبود. مواردی از این دست داشتیم که وارد جزئیات نمی‌شوم. بعضی‌ها انتظار می‌کردند که آزادی کنترل است. چون توجه به مسائل اقتصادی و سازندگی می‌شد، تا حدی به مسائل سیاسی نمی‌رسیدند، کمی هم تحت‌الشعاع قرار گرفته بود.

• این تجربه را در دولت آقای خاتمی داشتیم...

آقای خاتمی که تشریف آوردند، شاید در سه، چهار سال اول دوره ایشان بیشتر مباحث آزادی سیاسی و اجتماعی مطرح شد که به نظرم خوب بود اما در دوره اول به مسائل اقتصادی کمتر عنایت شد که جنبه منفی دولت اول ایشان است. خاطرم هست خدمت ایشان رسیدم. عرض کردم فضای سیاسی لازمه کار است اما اینکه فقط به این مورد پرداخته شود، کافی نیست. حتی بعضی از ما انتظار می‌کردند. گفتم مردم نان، آزادی و کار می‌خواهند. ایشان خوشحتانه در دور دوم طبق آمار و اطلاعات فضا را برگرداندند. ضمن اینکه آزادی سیاسی ادامه داشت، بحث‌های اقتصادی هم مطرح شد.

• در دوران شما بحث ادغام وزارتخانه‌ها نیز مطرح شد و شما از مدافعان بودید. چه شد که این حجم سنگین کار را دریک وزارتخانه پذیرفتند؟

در دوره دوم دولت آقای هاشمی بخش صنایع و صنایع سنگین ادغام شد. به‌اتفاق هر سه وزیر صنعتی خدمت ایشان رفتیم و گفتیم توصیه ما این است که این بخش‌ها ادغام شوند که بتوانیم سیاست‌گذاری مستجرتری داشته باشیم. ایشان با همان حالت تبسمی که داشتند، گفت این‌همه کار بزرگ را می‌خواهید باهم انجام دهید؟ بروید یقه‌یقه انجام دهید. حق آقای تاج‌حسینیان و بنده در جهت ادغام خیلی همفکر بودیم. پیشنهاد داشتیم که اجازه دهید که این دو ادغام شوند. بالاخره ادغام صورت گرفت و بعد هم به‌عنوان وزیر وزارتخانه ادغام‌شده از سوی ایشان تعیین به مجلس معرفی شدم و رای اعتماد گرفتم. بنابراین پیشنهاد این بود که جزء کاندیداهای وزارت صنعت در دولت آقای خاتمی باشم. در آنجایکی از بزرگواران گفته بود فلانی چون مصاحبه‌ای کرده و از آقای نطق‌نوری حمایت کرد. صلاح نیست آقای خاتمی و او انتخاب کند. آقای خاتمی در آن جلسه نبود. ایشان کروهی را برای تعیین وزرا مشخص کرده بودند. آنجا گفته بودند که چون من در مورد آقای ناطق مصاحبه کرده‌ام، به مصلحت نیست.

• چه کسانی بودند؟

اجازه دهید از کسی نام نبرم. هر دو زنده و از بزرگواران هستند. مشورت برای این بود که هرکسی عقیده‌اش را بگوید. شاید هم حرفشان منطق داشت که بالاخره نعمت‌زاده‌ای که از آقای ناطق حمایت کرد، شاید علیه آقای خاتمی باشد؛ با اینکه من قبل از انقلاب نسبت به آقای خاتمی ارادت داشتم و ایشان خانواده من را خوب می‌شناخت. حتی آخر دوره دوم که خدمت ایشان رسیدم، از سوی یکی از بستگانمان که با ایشان سال‌ها در خارج از کشور زندگی کرده بودند، خبر رسید که ایشان گفته‌اند یکی از مواردی که در دولت بی‌نصیب بودیم، حضور ما (نعمت‌زاده) در کابینه بود. الان که من بازنشسته کامل هستم، می‌توانم به‌راحتی بگویم. این امر نشان می‌دهد که ایشان شناخت کاملی از من داشت و کارهای من را هم دید. ایشان یکی از افرادی است که همیشه در دل بنده جا دارد. در این مدت هم دیدباز جزوحدت کلمه جزیی اعلام نکردماند و در زمان تصدی هم در خد